

پیشگفتاری بر موسیقی چندصدایی ایران

نوشته‌ی رضا والی





کارگاه موسیقی

تهران، خیابان حقوقی، شماره ۴۲، طبقه همکف
کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

پیش‌گفتاری بر
موسیقی چندصدایی ایران

نوشته‌ی

رضا والی

صفحه‌آرایی: پویا دازابی
نت‌نگاری: کاوه میرحسینی
عکس روی جلد: مایکل رید
چاپ اول: ۱۴۰۳
تعداد: ۵۰۰ جلد
لیتوگرافی: باران
چاپ و صحافی: محمد

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۸۴۳-۹-۷ ISBN: 978-622-90843-9-7

پیش‌درآمد

تفاوت‌ها و نزدیکی‌های موسیقی ایران و موسیقی اروپا

چندصدایی اروپایی از اوایل قرن بیستم توسط موسیقیدانان اروپایی و موسیقیدانان اروپایی-محور وارد ایران شد. این چندصدایی، نوع چندصدایی عمودی اروپایی قرن هجدهم و نوزدهم است که با موسیقی ایران هیچ‌گونه تطابقی ندارد.

۱. این چندصدایی بر اساس سیستم تونیک-دومینات اروپایی قرن هجدهم و نوزدهم برقرار شده. سیستم تونیک-دومینات اروپایی هیچ‌گونه قرابتی با سیستم دستگاه-مقام ایران ندارد.

۲. این چندصدایی بر اساس گام تعدیل‌شده‌ی دوازده‌نغمه‌ای اروپایی بنیان‌گذارده شده است. گام تعدیل‌شده‌ی دوازده‌نغمه‌ای اروپایی کاملاً مغایر با فواصل طبیعی و فواصل فیثاغورثی موسیقی ایران است.

۳. ریتم در این چندصدایی از ریتم سیستم تونیک-دومینات پیروی می‌کند. عناصر ریتم در میزان‌های سه‌ضربی و چهارضربی خلاصه می‌شوند. ریتم در این سیستم کاملاً متغایر با ریتم‌های بسیار گسترده و بسیار پیچیده‌ی موسیقی ایران است.

۴. فرم در موسیقی اروپا از ساختار سیستم تونیک-دومینات پیروی کرده، مانند فرم‌های سنات، واریاسیون، روندو-سنات و غیره. این فرم‌ها اساساً هیچ‌گونه اشتراکی با فرم‌های موسیقی ایران ندارند.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا اساساً روابطی بین موسیقی ایران و موسیقی اروپا وجود دارد؟

همان‌طور که در گفتار «دو تفکر» اشاره خواهد شد، فرهنگ‌های دنیا، مثل اقیانوس‌های جهان، به هم راه داشته و در هر فرهنگی ردپای فرهنگ‌های دیگر را می‌توان یافت. به این خاطر فرهنگ موسیقایی اروپا با فرهنگ موسیقایی ایران رابطه دارد. اما برای تحقیق این

رابطه باید قریب پانصد سال از موسیقی قرن هجدهم اروپا به عقب برگشت، و موسیقی قرون وسطای اروپا بین قرن هشتم تا قرن شانزدهم میلادی اروپا را مطالعه کرد. موسیقی قرون وسطای اروپا با موسیقی ایران و خاورمیانه روابط نزدیک دارد.

۱. سیستم مدال موسیقی قرون وسطای اروپا یعنی سیستم اکتواکوس (Octoechos)، که به مُدهای کلیسا معروف است، با سیستم مدال ایران و خاورمیانه، سیستم مقام، شباهت دارد.

۲. وجود حرکت‌های موازی با فواصل پنجم موازی، چهارم موازی، و هنگام موازی. توجه داشته باشیم که حرکت‌های پنجم و هنگام موازی در موسیقی اروپا از قرن شانزدهم به بعد ممنوع اعلام شده و فاصله‌ی چهارم در چندصدایی پالسترینا فاصله‌ای نامطبوع در نظر گرفته شده است.

۳. وجود واخوان‌ها با فواصل هنگام، پنجم، و چهارم.

۴. وجود گونه‌هایی از چندصدایی بالقوه‌ی افقی که با موسیقی ایران و خاورمیانه شباهت‌هایی دارند.

۵. وجود چرخه‌های ریتمیک (سیستم ایزوریتیم) که به چرخه‌های ریتمیک سیستم مقام شبیه‌اند. حتی نامی از سیستم ایزوریتیم مثل تالا (talea) با نام «تالا» در سیستم ریتم موسیقی هند (سیستم تالا) شباهت دارد.

۶. وجود سازهای موسیقی ایران و خاورمیانه در موسیقی قرون وسطای اروپا نظیر عود (Lute)، رباب (Rebec)، نقاره (Naker) و سرنا (Schalmei, Shawm).

موسیقی اروپا از قرن هجدهم از چندصدایی افقی به چندصدایی عمودی تغییر پیدا می‌کند. همچنین نظام کوک موسیقی اروپا عوض شده و به نظام کوک گام معتدل دوازده‌نغمه‌ای تبدیل می‌شود. از مُدهای قرون وسطی و رنسانس فقط دو مُد، ماژور و مینور باقی مانده و سیستم مُدال به سیستم تونال بر اساس تونیک و دومینانت تبدیل می‌شود. هرچه از قرن هجدهم به قرن نوزدهم و بیستم حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که موسیقی اروپا از موسیقی خاورمیانه و خاور نزدیک دورتر شده است. بنابراین برای مطالعه‌ی ارتباط بین موسیقی ایران، خاورمیانه و موسیقی اروپا بهتر است که موسیقی قرون وسطای اروپا را تحقیق کنیم و بیاموزیم.

۲

دو تفکر

فرهنگ‌های دنیا مانند اقیانوس‌های دنیا همه با هم مرتبط هستند و در هر فرهنگ، ردپای فرهنگ‌های دیگر مشاهده می‌شود. بنابراین هیچ فرهنگی نمی‌تواند ادعا کند که «ابرفرنگ» (Super Culture) است. اما بعضی از تمدن‌های اروپایی در یک دوره‌ی تاریخی که از قرن شانزدهم میلادی شروع می‌شود، از لحاظ اقتصادی و نظامی به قدرت رسیدند و دست به تسخیر کره‌ی زمین زدند طوری که در قرن ۱۹ میلادی تقریباً تمام کره‌ی زمین تحت اشغال کشورهای اروپایی بود. به عنوان مثال، کشور انگلستان که مساحتش نصف ایران هم نیست، تقریباً ۲۵ درصد خاک کره‌ی زمین را در قرن ۱۹ میلادی تحت اشغال خود داشت طوری که انگلیسی‌ها با افتخار می‌گفتند که «در امپراطوری انگلستان خورشید غروب نمی‌کند». کشورهای اروپایی برای اینکه استعمار را توجیه کنند، این نظریه را پیش کشیدند که گویا فرهنگ اروپا «ابرفرنگ» است و انسان اروپایی پیشرفته‌تر از انسان آسیایی یا آفریقایی است. این نظریه، هسته‌ی اصلی تفکری است که به تفکر «اروپامحور» یا تفکر «اروپایی‌مدار» (Eurocentrism) مشهور است.

در مورد تفکر اروپامحور در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی کتاب‌ها و مقالات متعدد نوشته شده است. اما در مورد موسیقی به نظر من این مقوله کمتر بحث شده است. در موسیقی، ردپای تفکر اروپامحور را می‌توانیم مشاهده کنیم که چند مورد آن به‌طور اجمالی در اینجا ذکر می‌شود:

۱. صدور و بین‌المللی کردن گام معتدل دوازده‌نغمه‌ای:

گام معتدل دوازده‌نغمه‌ای در اوایل قرن ۱۸ میلادی به وجود آمد. تکامل گام معتدل به نظر من به خاطر تغییر چندصدایی اروپا از چندصدایی افقی به چندصدایی عمودی بود. گام معتدل حرکت اکوردها و انتقال از یک گام به گام دیگر را تسهیل می‌کند و برای موسیقی اروپا بسیار لازم و خوب است. به جز فاصله‌ی اکتاو (۱۲۰۰ سنت)، هیچ‌یک از

فواصل گام معتدل با گام طبیعی (هارمونیک‌ها) تطابق ندارد. موسیقی بسیاری از مردم دنیا بر اساس گام طبیعی است، از جمله موسیقی فرهنگ‌های آسیا مثل موسیقی خاور دور، هند، ایران، موسیقی خاورمیانه، و...

در طی دو قرن گذشته گام معتدل به تمام دنیا صادر شده و در بیشتر مؤسسه‌های هنری از قبیل کنسرواتورها و دانشکده‌های موسیقی تدریس می‌شود. همچنین گام معتدل پایه موسیقی جهانی بازار (Music Industry) است، به خصوص موسیقی پاپ و راک اند رول. موسیقی جهانی بازار تقریباً در تمام شبکه‌های رادیو، تلویزیون، و شبکه‌های اجتماعی اینترنت نفوذ دارد. نفوذ موسیقی بازار این خطر را به وجود می‌آورد که مردم دنیا فواصل موسیقی فرهنگ خودشان را فراموش کنند.

۲. صدور و بین‌المللی‌کردن سیستم آموزش موسیقی

به سبک اروپایی یا سیستم کنسرواتوار:

موسیقی هنری در سراسر اروپا از طریق سیستم کنسرواتوار تدریس می‌شود. هسته اصلی این سیستم در دوره‌ی انقلاب فرانسه با به وجود آمدن کنسرواتوار ملی پاریس ریخته شد. در قرن نوزدهم میلادی، سیستم آموزش کنسرواتوار در فرانسه و به خصوص در پاریس تکامل پیدا کرده و در تمام کشورهای اروپایی پخش شد.

در این سیستم بهترین نوازندگان و آهنگسازان از طریق کنکورهای بسیار سخت انتخاب شده و بعد تحت نظام بسیار منضبط که عبارت است از آموزش سلفژ، دیکته‌ی موسیقی، دشیفه، هارمونی، کنتراپوان و... به هنرجویان موسیقی اروپایی درس داده می‌شود. این سیستم در دو قرن گذشته تقریباً در تمام دنیا پخش شده و در کنسرواتورها و دانشکده‌های موسیقی کشورهای مختلف تدریس می‌شود. در روند اشاعه‌ی این سیستم به فرهنگ‌های دیگر جهان، مشکلاتی به وجود آمده‌اند:

یک: فرهنگ‌های جهان از جمله فرهنگ چین، هند، ایران، شرق آسیا، خاورمیانه، آفریقا، دارای متدها و روش‌های آموزش موسیقی خود هستند که این روش‌ها در درون خود آن فرهنگ‌ها رشد کرده و از لحاظ آموزشی به موسیقی آن فرهنگ‌ها نزدیک‌تر هستند. بسیاری از این نظام‌های آموزشی با سیستم کنسرواتوار تطابق و خوانایی ندارند.

دو: در جریان انتقال سیستم کنسرواتوار به کشورهای دیگر، نظام منضبط کنسرواتوار تغییر پیدا کرده و بسیاری از قوانین آن شل شده و به اصطلاح «آبکی» شده‌اند. در خیلی از کشورها، دیگر از آن کنکور بسیار سخت خبری نیست و دروس منتظم کنسرواتوار یا تغییر داده شده‌اند، یا اینکه کاملاً حذف شده‌اند.

چندصدایی نوع عمودی قرن‌های هجدهم و نوزدهم اروپا توسط موسیقیدانان اروپایی و موسیقیدانان اروپایی‌محور در اوایل قرن بیستم وارد ایران شد. این چندصدایی اساساً تطابقی با سیستم موسیقی ایران یعنی سیستم دستگاه-مقام ندارد. عدم تجانس این دو سیستم باعث مشکلات و سردرگمی‌های فراوانی در موسیقی معاصر ایران شده است که متأسفانه تا به امروز ادامه دارند.

این کتاب مقدمه‌ای است بر مقوله‌ی چندصدایی در موسیقی ایران. در این کتاب سعی شده است که حرکت‌های چندصدایی از درون خود سیستم دستگاه-مقام استخراج و استفاده شوند. انواع چندصدایی ایران مانند واخوان‌ها، حرکت موازی، و جواب آواز (تقلید) ابتدا معرفی شده و بعد به صورت‌های دوصدایی و سه‌صدایی گسترش یافته و توضیح داده شده‌اند.

